توضیح صاحب حدائق پیرامون روایت

این مستند خیلی مهمی است. ولو ماه مبارک باشد باید قضا کند. ایشان در ادامه می‌فرمایند:

> **و الاستدلال بهذا الخبر مبني على تعلق قوله «من رمضان» بقوله «يصوم» بمعنى انه لا يجوز صيام يوم الشك على انه من شهر رمضان فلو صامه و ظهر كونه من شهر رمضان لم يجزئ عنه و وجب قضاؤه، و اما لو علق بقوله «يشك» فلا دلالة فيه و يحمل الأمر فيه بالقضاء على التقية لاتفاق العامة على عدم الاجزاء عن شهر رمضان لو ظهر كونه منه**

«و الاستدلال بهذا الخبر مبني على تعلق قوله «من رمضان» بقوله «يصوم» بمعنى انه لا يجوز صيام يوم الشك على انه من شهر رمضان فلو صامه»؛ اینکه سؤال کرد «یصوم الیوم الذی یشک من شهر رمضان»، یعنی «یصوم من شهر رمضان»؟ یا نه، «یشک من شهر رمضان»؟ به عبارت دیگر «من شهر» متعلق به «یصوم» است؟ یا متعلق به «یشک»؟

می‌فرمایند اگر متعلق به «یصوم» باشد همین حرف مشهور می‌شود؛ **«یصوم من شهر رمضان»؛** اصلاً نیت ماه مبارک می‌کند. حضرت فرمودند: **«علیه قضائه و ان کان کذلک»؛** حتی اگر ماه مبارک هم باشد باید قضا کند. چون «یصوم من شهر رمضان» است. اما اگر بگوییم «یشک فیه من شهر رمضان» باشد؛ «من» متعلق به «یشک» باشد، خب این روایت مطلق می‌شود و می‌گوید «علیه قضائه و ان کان کذلک». یعنی همین که یوم الشک شد ولو نیت شعبان هم کرده باشد، اگر بعدا معلوم شد که شعبان نبوده و درواقع ماه مبارک بوده، فرقی ندارد. چون او برای شعبان گرفته بوده. ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد. پس باید قضاء کند.

این دومی منظور من است. ببینید:

> 18:21

«و اما لو علق بقوله «يشك» فلا دلالة فيه»؛ دلالتی بر قول مشهور ندارد. خب حالا باید چه کار کنیم؟ حتی اگر روزه گرفته و بعد معلوم شد که آخر ماه شعبان نبوده باید قضاء کند؟ می‌فرمایند: **«و يحمل الأمر فيه بالقضاء على التقية لاتفاق العامة على عدم الاجزاء عن شهر رمضان لو ظهر كونه منه».** البته همه موارد عامه باید بررسی شود. محقق کتاب هم تعلیقه‌ای[1] دارند. از نیل الاوطار نقل می‌کنند. فرمایش ایشان این است: « لاتفاق العامة على

عدم الاجزاء عن شهر رمضان ول ظهر كونه منه»؛ یعنی هر جور روزه گرفته باشد اگر یوم الشک بوده و ثابت نشده بود، اگر بعداً معلوم شد که ماه مبارک بوده روزهای که گرفته فایدهای ندارد. اتفاق عامه در این است. لذا میفرمایند این تقیه بوده و حضرت در این مقام تقیه کردهاند. چون آنها میگویند که باید اعاده کند حضرت هم میفرمایند «علیه قضائه». این روایت در کافی نیامده، در تهذیب آمده. مستند مشهور هم عند الجمع همین است. با آن توضیحاتی که شیخ فرمودند.

---

[1]همان؛ في نيل الأوطار بعد ذكر أحاديث المنتقى بعنوان باب (ما جاء في يوم الغيم و الشك) ج ۴ ص ۲۰۱ قال و قد استدل بهذه الأحاديث على المنع من صوم يوم الشك، قال النووي و به قال مالك و الشافعي و الجمهور. و حكى الحافظ في الفتح عن مالك و ابى حنيفة انه ال يجوز صومه عن فرض رمضان و يجوز عن ما سوى ذلك. قال ابن الجوزي في التحقيق: و ال حمد في هذه المسألة و هي ما إذا حال دون مطلع الهلال غيم أو غيره ليلة الثالثين من شعبان ثالثة أقوال: أحدها- يجب صومه على انه من رمضان.

بازبینی #1
ایجاد شده 9 ژوئن 2026 13:41:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئن 2026 13:42:51 توسط ... .